

ملائنصرالله
منصور برای
خودش یک
حزبی داشت
ولی وقتی
به امارت
ملحق شد،
طرفدارانش هم
بایشان ملحق
شدند. البته
به مجاهدین
منصوری معروف
شدند ولی وقتی
بیعت کردند
دیگر منصور
مطرح نیست

برخی امارت را این طور تصویر می کنند که درونش جناح هایی وجود دارد. طیف حقانی و طیف منصور... آیا این اختلاف درون امارت اسلامی وجود دارد؟

قبل از تشکیل امارت احزاب مختلفی وجود داشت. ملا نصرالله منصور برای خودش یک حزبی داشت ولی وقتی به امارت ملحق شد، طرفدارانش هم با ایشان ملحق شدند. البته به مجاهدین منصوری معروف شدند ولی وقتی بیعت کردند دیگر منصور مطرح نیست. در سطوح پایین این طور معروف شد ولی همگی از امارت بودند. مولوی جلال الدین حقانی در جبهه مجاهدین علیه روس ها پایگاه و جایگاه داشت. در زمان امارت هم تشکیلاتش بود و چریک تربیت می کرد. بعد که بازماندگان ایشان آمدند به امارت، قطعاً دوستداران خودشان را دارند. چون خیلی همکاری کردند، معاون رهبری شدند. ولی امیر یکی است و بعد از مشورت ها و کنجکاوای های دینی، نظر نظر ایشان است. اینکه می گویند بین جناح حقانی و دیگر جناح ها اختلاف وجود دارد، درست نیست. البته اختلافات بشری طبیعی است و همه جا وجود دارد ولی هیچ کس از اطاعت بیرون نیست. البته آینده را خدا بهتر می داند.

نسبت بین القاعده و طالبان چیست؟

در دوره قبلی افرادی از القاعده به امارت پیوستند، ولی هر کس که با امارت بیعت کرد دیگر نام سابقش هر چه بوده مهم نیست. حتی کسانی که از حزب و حدت آمدند، وقتی با امارت بیعت کردند، باید از امیر اطاعت کنند. این طور نیست که الان بخشی از امارت، افراد القاعده باشد. امارت اجازه نمی دهد گروهی به نام القاعده درونش حضور داشته باشد. بلکه همه باید اهل اطاعت باشد و نباید تخلف داشته باشند و با هر کسی که تخلف کند چه قبلاً در گروه دیگری بوده چه نه، برخورد می شود.

جایگاه مردم در مشروعیت در امارت وفقه احناف چه جایگاهی دارد؟

بحث شورا در مذاهب اهل سنت بالخصوص ابوحنیفه با مذهب جعفری تفاوت کیفی دارد. در مذاهب اهل سنت مردم و شورا به استناد سقیفه پررنگ تر است. البته منظور شورای عام نیست بلکه شورای حل و عقد و در واقع شورای خبرگان از مورد اعتمادان مردم مطرح است. بعد از شورا، بیعت عام جایگاه دارد. وقتی خبرگان قوم یک شخصی را انتخاب کردند، از مردم بیعت گرفته می شود. بیعت همان انتخابات است. امیر المؤمنین فعلی طالبان، در شرایط اضطراری توسط شورای حل و عقد انتخاب شد و از بزرگان و علما و والیان علاوه بر اعضای شورای حل و عقد هم نظر خواهی شد. شورای حل و عقد کسانی هستند که مردم تعیین می کنند و آنان را به عنوان کسانی که مصلحت را تشخیص می دهند قبول دارند. اگر مردم بعد از انتخاب شورا، با امیر المؤمنین بیعت نکنند، چون باعث اختلاف و درگیری بین امت خواهد شد، حتماً این نظر مردم مورد ملاحظه قرار می گیرد.

آیا رهبر طالبان می تواند خلیفه بعدی را انتخاب کند؟

خیر. امیر المؤمنین در زمان حیاتش، معاون و خلیفه تعیین می کند که فقط برای زمان حیات است. برای بعد از وفات ممکن است کس دیگری برای رهبری انتخاب شود. فعلاً سراج الدین حقانی خلیفه است و مثلاً اگر امیر المؤمنین کسالت داشته باشند او کارها را مدیریت می کند.